

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 34, Spring & Summer 2024

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صص ۲۴-۵ (مقاله پژوهشی)

واکاوی مولفه‌های مناظره حقیقت محور با مخالفان از دیدگاه امام رضا (ع)

مجتبی مرادی مکی^۱، مهدی فرمانیان^۲، محمدجواد حاجی ابوالقاسمی دولابی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

چکیده

مناظره به عنوان یکی از شیوه‌های مرسوم و کارآمد در مواجهه با مخالفان محسوب شده که با اهداف متفاوتی همچون پیروزی بر رقیب و برتری جویی یا تبیین حقیقت صورت می‌گیرد و در فرهنگ اسلامی نیز دارای پیشینه کهن و درخشانی است. در این میان امام رضا (ع) مناظرات فراوانی با پیروان ادیان و مذاهب به هدف تبیین حقیقت داشته‌اند. از نظر ایشان، مناظره به هدف حقیقت‌طلبی دارای مولفه‌های ویژه و برجسته‌ای است. بر این اساس پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی مناظرات امام رضا (ع) با مخالفان خود پرداخته است و می‌کوشد به تبیین مهم‌ترین مولفه‌های مناظره حقیقت محور، از دیدگاه امام رضا (ع) بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، این نوع مناظره از دیدگاه امام رضا (ع) دارای چندین مؤلفه مهم از قبیل: «تسلط به مفاهیم و مبانی مخالفان»، «استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک»، «رعایت اصول و ارزشهای اخلاقی»، «مستندگویی و ارجاع به منابع مورد قبول»، «توجه به اصول مسلم و مشترک»، «فرصت اظهارنظر به رقیب» و «منع از تکفیر مخالف» می‌باشد. بدیهی است توجه به این مولفه‌ها در مناظره، می‌تواند الگوی مطلوب و اسلامی را از مناظره دینی برای هر عصری ترسیم نموده که ترویج این الگو نقش موثری در دفاع از معارف اهل بیت (ع) و شبهه‌زدایی از آنها خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: مناظرات رضوی، حقیقت محوری، مناظره، امام رضا (ع)، مخالفان.

۱. دانش پژوه سطح چهار رشته تخصصی کلام مقارن مدرسه علمیه عالی نواب؛ دانش آموخته دکتری دانشگاه ادیان و

مذاهب، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛

moradimaki1393@gmail.com

m.farmanianchmail.ir

Sh.javadabolghasemigmail.com

۲. استاد دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛

بیان مسأله

از دیرباز برپایی مناظره در تاریخ و فرهنگ بشری با اهداف مختلفی صورت پذیرفته است؛ برخی از متفکران همچون شوپنهاور هدف از مناظره را برتری جویی و پیروزی بر طرف مقابل قرار داده‌اند و برای دست یافتن به این هدف، استفاده از هر ابزاری را روا دانسته‌اند، این در حالی است که امام رضا علیه السلام هدف از مناظره را بیان حقیقت و جستجوی آن دانسته و در مناظرات خود همواره به بیان حقایق اهتمام داشته‌اند بطوری که مناظره‌ای را که به دنبال کسب حقیقت نباشد کنار گذاشته و انجام نداده‌اند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام با مخالفان خود پرداخته است و می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که براساس مناظرات رضوی، مهم‌ترین مؤلفه‌های مناظره حقیقت محور از نگاه آن حضرت چیست؟ روشن است که پاسخ به این سؤال و پرسشهای مشابه، نیازمند بازخوانی مناظرات رضوی است که نویسنده می‌کوشد در این نوشتار با تحلیل آنها مؤلفه‌های این نوع از مناظره را از دیدگاه آن حضرت تبیین نماید.

۱- مقدمه

اسلام بیش از هر دینی، به «مناظره» به عنوان یک اصل در جهت آگاه‌سازی مسلمانان از حقایق دینی و دفاع از حقانیت یک اندیشه و نقد سالم طرف مقابل، اهتمام ورزیده و با تعبیری همچون: جدال احسن (النحل، ۱۲۵) و بشارت به استماع سخن و پیروی از نیکوترین آنها (الزمر، ۱۷ و ۱۸)^۱ به آن سفارش کرده است. امام رضا علیه السلام با رویکرد حقیقت محوری و اثبات حقانیت خود، مناظرات فراوانی با پیروان ادیان و مذاهب مختلف؛ همچون عمران صابی، جاثلیق، هیربد اکبر، رأس الجالوت، «ابو قره»، «یحیی بن ضحاک سمرقندی»

۱. «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ».

و «سلیمان مروزی» داشته‌اند (طبرسی، ۲/۲۰۰-۳۶۷) این در حالی است که یکی از متفکران غربی بنام شوپنهاور با ارائه الگویی متفاوت هدف از مناظره را برتری جویی دانسته است و مولفه‌های مختلفی را جهت پیروزی در مناظره تعلیم می‌دهد؛ برخی از مولفه‌های مناظراتی او عبارتند از: «به مقدمات کاذب متوسل شو»، «چیزی را که باید به اثبات برسد، مسلم فرض کن»، «با سؤال پیچ کردن، اقرار بگیر»، «خصمت را عصبانی کن»، «سؤال‌های انحرافی مطرح کن»، «حرفش را قطع کن»، «او را وادار به اغراق کن»، «قیاس نادرستی مطرح کن»، «مثال نقض را پیدا کن»، «حضار را متقاعد کن، نه خصم را»، «مسیر بحث را عوض کن»، «به جای دلیل، به مرجع متوسل شو»، و «به بحث جنبه شخصی بده، توهین و بددهنی کن» (شوپنهاور، ۴۰-۱۱۷) بر این اساس نویسنده به واکاوی مهم‌ترین مولفه‌های مناظره حقیقت محور پرداخته است.

ناگفته نماند بررسی و تحلیل مناظرات آن حضرت با مخالفان و تبیین مولفه‌های این نوع از مناظره به هدف ارائه الگوی صحیح و کاربردی از مناظره دینی و ردّ الگوی‌های مخالف و متضاد با مضامین و معارف اسلامی امری ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که روش فکری و عملی امامان معصوم روش معیار است و سایر روش‌ها را باید با آن سنجید؛ چون ثقل قرآن (دیلمی، ۱/۱۳۱)^۱ و کشتی نجات امت از طوفان گمراهی هستند. (مجلسی، ۲۳/۲۶۴)^۲ البته هر یک از این مؤلفه‌ها زیرشاخه‌ها و مصادیق فراوانی دارد که از حد و حوصله این مقاله خارج است. در این مقاله تنها به ذکر مؤلفه اصلی پرداخته خواهد شد. باشد که در پژوهش‌ها و مقالات بعدی هر یک از این مؤلفه‌ها به صورت جداگانه مورد موشکافی، توضیح و تفسیر بیشتر قرار گیرد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری پیرامون مناظرات رضوی قلم زده‌اند و مناظرات آن حضرت را از

۱. «إِنِّي تَارَكُ فِيكُمْ الْفَلَقَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي».

۲. «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ».

زوایای گوناگونی کاویده و آثار متفاوتی عرضه نموده‌اند؛ برخی به سبک‌شناسی و بررسی محتوایی آنها پرداخته‌اند (خزعلی، انصاری‌نیا، ۷۳-۱۰۴)؛ (مصلائی‌پور، سلیمی، ۸-۱۱۵) و برخی به بیان اصول علمی و اخلاقی مناظرات ایشان پرداخته‌اند. (رضازاده کهنگی، فارسی‌نژاد، ۳۷-۵۸) برخی دیگر نیز به نقش آنها در عصر حاضر توجه نموده‌اند؛ (اکبری، احمدی‌نژاد و دیگران، ۹-۳۷)؛ (طهماسبی بلداجی، مرتضوی، ۱۳۵-۱۶۱)؛ (اسماعیل‌زاده، شبان‌زاده، ۱۶۵-۱۹۱)

وجه تمایز اثر پیشرو با آثار مذکور اینست که هیچکدام از آثار مذکور به رویکرد حقیقت‌محوری امام رضا علیه السلام و تبیین مولفه‌های این نوع از مناظره در مقابل الگوی‌های رقیب و متضاد نپرداخته‌اند. بر این اساس، نوآوری اثر حاضر در تاکید بر استخراج شیوه و الگوی مناسب و کاربردی برای مناظرات دینی براساس مناظرات امام رضا علیه السلام است و نشان می‌دهد که امام رضا علیه السلام در مناظرات خود به دنبال حقیقت‌محوری بوده‌اند نه برتری‌جویی و برای تحقق این هدف، از مولفه‌های متفاوتی بهره برده‌اند؛ از این‌رو، اثر حاضر را می‌توان رویکردی نوآورانه به مناظرات رضوی دانست که نویسنده با هدف ارائه الگوی کاربردی از مناظرات رضوی، به نقد الگوهای متضاد و رقیب برتری‌جویانه می‌پردازد.

۲- مفهوم‌شناسی مناظره

مناظره از ریشه «نظر» و در لغت به دو معنای «دیدن» به چشم و «توجه داشتن» (نوعی درک و فهم درونی) آمده است. (فراهیدی، ۸/۱۵۴)؛ (ابن منظور، ۵/۲۱۵)؛ (قرشی، ۷/۸۱) ابن فارس این واژه را دارای یک اصل صحیح به معنای تأمل در چیزی همراه با مشاهده و معاینه دانسته و سایر معانی را به این معنا برمی‌گرداند. (ابن فارس، ۵/۴۴۵)^۱

مناظره در اصطلاح عبارتست از گفتگو و اظهارنظر آگاهانه دو نفر نسبت به مسائل و موضوعاتی، جهت دست یافتن به حق و صواب. (جرجانی، ۱۰۳) متکلمان و منطق‌دانان نیز مناظره را گفتگو دوجانبه و رودررو به هدف ایجاد علم در طرف مقابل و کشف حق

۱. نَظَرَ (النُّونُ وَالزَّوَاءُ وَالرَّاءُ) أَصْلٌ صَحِيحٌ يَرْجِعُ فُرُوعُهُ إِلَى مَعْنَى وَاحِدٍ وَهُوَ تَأَمُّلُ الشَّيْءِ وَ مُعَايِنَتُهُ، ثُمَّ يَسْتَعَارُ وَيَتَّسَعُ فِيهِ. فَيَقَالُ: نَظَرْتُ إِلَى الشَّيْءِ أَنْظَرُ إِلَيْهِ، إِذَا عَايَنْتَهُ.

می‌دانند. (طوسی، ۱۳۶۱، ۴۴۸)^۱ (ابن سینا، ۲۲/۶)^۲ این در حالی است که واژه جدل، جدال و مجادله از ریشه «جدل» گرفته شده و در لغت دارای معانی متعددی همچون؛ به شدت تاباندن و بافتن ریسمان (زمخسری، ۸۵)، به زمین زدن طرف مقابل (همان، ۸۵)، محکم و نیرومند شدن (فیروزآبادی، ۴۷۴/۳) مقابله دلیل با دلیل (ابن اثیر، ۲۴۸/۱)، سرسختی در مخاصمه (ابن منظور، ۱۰۵/۱۱) آمده است که به گفته ابن فارس، معنای مشترک تمام معانی لغوی، استواری یک چیز است و معانی دیگر به آن برمی‌گردد. (ابن فارس، ۳۳۴/۱)^۳ و در اصطلاح نیز عبارتست از رویارویی جهت اسکات خصم چنان که جرجانی می‌نویسد: «جدل، رفع فساد از سخن خصم است با دلیل یا شبهه، و یا قصد تصحیح سخن وی است که درحقیقت همان خصومت است». (جرجانی، ۱۰۱/۱)

بر این اساس بین مناظره و مجادله تفاوت معنایی وجود دارد؛ زیرا هدف از مناظره بیان گزاره و مدعا همراه با استدلال جهت کشف حقیقت است (طوسی، ۱۳۶۱، ۴۴۷) اما مجادله فرایندی ستیزه جویانه و نفی‌گرا می‌باشد و هدف از آن الزام خصم است؛ چه به امر حق و چه به امر باطل (تهانوی، ۲۳۲/۱) (غزالی، ۱۱۴/۱) و بین مصادیق این دو از نظر هدف رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.^۴ بنابراین، می‌توان گفت مهم‌ترین فرق بین

۱. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی، می‌نویسد: «مناظره میان دو صاحب رأی متقابل است، که هر یک متکفل بیان رأی خود باشند، به شرط آن که هر دو، بعد از وضوح، مساعدت حق کنند؛ و مباحثه کشف امر مبهمی به طریق تعاون و همکاری است.»

۲. ابن سینا می‌نویسد: «کلمه مناظره از ریشه نظر و اعتبار گرفته شده و غرض از آن مباحثه پیرامون دو رأی متقابل است و هر یک از طرفین مناظره درصدد تأیید یکم، از دو جانب بحث برای ایجاد علم در طرف مقابل است لذا مناظره به آموزش ملحق می‌شود زیرا هدف مناظره کنندگان، حصول علم است.»

۳. «الجدل: الجیم و الدال و اللام اصل واحد و هوم من باب استحکام الشيء فی استرسال یكون فیه و امتداد الخصومة و مراجعة الکلام»

۴. یعنی جدل و مناظره دو ماده افتراق و یک ماده اشتراک دارند، بدین صورت که:

الف. برخی مصادیق هم مناظره است و هم مجادله یعنی هم در آن اثبات حقیقت است و هم الزام مخالف مانند فرض الزام طرف مقابل به حقیقت (ماده اشتراک مناظره و جدل).

ب. برخی از مصادیق، مجادله هستند؛ زیرا به دنبال الزام طرف مقابل است؛ اما مناظره نیستند زیرا به دنبال حقیقت نیستند بلکه برای نابودی حق هستند (غافر، ۵) (ماده افتراق از طرف مجادله)

ج. برخی از مصادیق مناظره‌اند؛ زیرا به دنبال کشف حقیقت هستند اما مجادله نیستند زیرا به هدف الزام خصم نیستند. (ماده افتراق از جانب مناظره)

مناظره و مجادله به عنصر حقیقت محوری برمی‌گردد^۱ و این تفاوت موجبات تفاوت‌های دیگری را نیز همچون عالمانه بودن مناظره و اخلاق مدار بودن آن فراهم آورده است (طوسی، ۴۴۰/۶) (طباطبایی، ۱۳۸/۱۶)

۳- مؤلفه‌ها

برخی از مؤلفه‌های مناظرات حقیقت محور عبارتند از:

۳-۱. تسلط به مفاهیم و مبانی مخالفان

اولین مؤلفه مناظره حقیقت محور، بر اساس مناظرات حضرت رضا (ع) داشتن اطلاعات کافی و تخصص نسبت به مفاهیم و مبانی فکری طرف مقابل است پیرامون موضوع خاص مورد بحث است؛ چنانکه امام رضا (ع) در مناظرات خویش با هر گروهی با استناد به کتابهای آن گروه به مناظره می‌پرداخت و آنها را مجاب می‌کرد؛ به عنوان نمونه آن حضرت در مناظره با رأس الجالوت فرمود: «تو هیچ دلیلی از من نپذیر مگر دلیلی که در تورات به زبان موسی بن عمران، و در انجیل به زبان عیسی بن مریم و در زبور به زبان داوود نقل شده باشد». (مجلسی، ۱۷۶/۴۹)

نمونه دیگر که افزون بر علم و آگاهی مناظره‌گر، لزوم شناخت کامل نسبت به مبانی مخالفان و جامعیت علمی مناظره‌گر را ثابت می‌کند اینست که مردی خدمت حضرت رضا (ع) رسید از پشت نهر بلخ گفت من یک سؤال از شما می‌کنم اگر جوابش را آن‌طور که من می‌دانم دادی قائل به امامت شما می‌شوم. حضرت رضا فرمود: «سَلْ عَمَّا شِئْتَ هَرَّ چِه مایلی سؤال کن...»^۲ (مجلسی، ۱۰۵/۴۹) و در جایی دیگر نیز فرمودند «فَإِنِّي إِنَّمَا جَمَعْتُكُمْ لَتَسْأَلُوا عَمَّا شِئْتُمْ ... فَهَلُّمُوا مُسَائِلَكُمْ؛ من شماها را در این مجلس جمع کردم

۱. مناظره کننده به دنبال کشف حقیقت و نصرت حق است با حجت و دلیل (طوسی، بی تا، ۴۴۰/۶) اما مجادله کننده به

دنبال برتری جویی و غلبه است حتی بدون دلیل و با استفاده از ابزار باطل. (طوسی، ۱۳۶۱، ۴۴۷)

۲. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا مِنْ وَرَاءِ نَهْرِ بَلْخٍ قَالَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مُسَائِلَةٍ فَإِنْ أَجَبْتَنِي فِيهَا بِمَا عِنْدِي قُلْتُ بِإِمَامَتِكَ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (ع)...»

از هر چه دوست دارید پرسید...» (مجلسی، ۷۴/۵۰) روشن است که مناظره‌گر وقتی جامعیت علمی دارد و شناخت نسبت به مبانی طرف مقابل دارد می‌تواند با اعتماد به نفس کامل پاسخ دهد و پاسخ‌های دقیق و کافی ارائه نماید. با دقت در مناظرات امام رضا (ع) با مخالفان می‌توان سه خصوصیت مهم برای مناظره‌کننده را استخراج کرد:

۱. مهارت‌های علمی و فکری مانند قدرت بر اقامه حجت و برهان، احاطه بر موضوع مورد مناقشه، آشنایی با منابع مورد قبول طرف مقابل؛ چنانکه خود حضرت از این مهارت‌ها بهره برده‌اند.

۲. مهارت‌های اخلاقی مانند نیکو سخن گفتن، پرهیز از تحقیر، پرهیز از توهین، سعه صدر و احترام به نظرات مختلف

۳. مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی همچون مردم‌داری، مهارت ارتباط، مخاطب‌شناسی

و

بر این اساس در عصر حاضر که می‌توان آن را عصر شبهات نامید، و شبهات فراوانی در زمینه مسائل دینی در رسانه‌ها ماهواره‌ای و غیر ماهواره‌ای طرح می‌شود، مناظره باید در سطح دانشمندان و متخصصانی که افزون بر تسلط علمی و پایبندی به اصول اخلاقی با مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آشنایی دارند صورت گیرد؛ زیرا ورود افراد فاقد صلاحیت لازم افزون بر اینکه خطر بزرگی برای جهان اسلام به‌شمار می‌آید موجب دورشدن طرفین از حقیقت می‌شود و احتمال دارد در صورت شکست طرف حق، افراد زیادی از پیروان حق در مذهب و عقاید خود متزلزل شوند.

۳-۲. استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک

بهره‌گیری از براهین عقلی و منطقی^۱ مناظره‌کنندگان، در کشف حقیقت نقش بسیار مهمی دارد؛ زیرا هر فرد با اعتقاد به حقانیت خود، وارد مناظره می‌شود و می‌خواهد در خصوص

۱. نک: حلی، الجوهر النضید: ص ۱۱۹ «قیاس مؤلف من یقینات یُنتج یقیناً بالذات اضطراراً».

حقیقت روشنگری نماید باید برای اثبات مدعای خود مستندات و ادله‌ای توجیه‌ناپذیر مطابق با فطرت طرف مقابل ارائه نماید. امام رضا علیه السلام در مناظرات خود با پیروان ادیان و مذاهب همواره از قواعد عقلی و منطقی به عنوان فصل مشترک بهره برده‌اند. به عنوان نمونه هنگامی که سلیمان مروزی قائل به عینیت و غیریت اراده با ذات خداوند شد و گفت: «فَإِنَّمَا قَوْلِي إِنَّ الْإِرَادَةَ لَيْسَتْ هُوَ وَلَا غَيْرُهُ؛ اراده خداوند عین ذات خداوند نیست، ولی چیزی غیر از او هم نیست» (ابن بابویه، بی‌تا، ۴۵۳) امام پاسخ دادند: «يَا جَاهِلُ، إِذَا قُلْتَ لَيْسَتْ هُوَ فَقَدْ جَعَلْتَهَا غَيْرَهُ، وَإِذَا قُلْتَ لَيْسَتْ هِيَ غَيْرُهُ فَقَدْ جَعَلْتَهَا هُوَ؛ ای جاهل، هنگامی که می‌گویی اراده خداوند عین ذات او نیست، باید چیزی غیر از او باشد و هنگامی که می‌گویی اراده چیزی غیر از ذات خداوند است، باید عین ذات او باشد.» (ابن بابویه، بی‌تا، ۴۵۳) (طبرسی، ۳۶۷/۲) در این بحث امام به تناقض که یکی از مفاهیم منطقی است توجه نموده‌اند چنانکه آیت الله جوادی در توضیح می‌نویسد: «در این بحث امام به سلیمان مروزی نقیض بودن «عینیت» و «غیریت» را متذکر می‌شود که رفع هر دو از یک موضوع شدنی نیست. زیرا اگر موجودی عین موجود دیگر نباشد، ناچار باید غیر آن باشد و نیز اگر موجودی غیر موجود دیگر نباشد، ناچار باید عین آن موجود باشد. اگر هر دو طرف (عینیت و غیریت) را با هم سلب کنیم، در حقیقت هر دو طرف نقیض را رفع کرده‌ایم، با آنکه رفع دو طرف نقیض محال است، همان‌گونه که جمع آن دو با یکدیگر نیز ممتنع است.» (جوادی آملی، ۶)

نمونه دیگر اینکه امام در مناظره با جاثلیق از برهان خلف بهره گرفته‌اند و برای ردّ خدایی حضرت عیسی خطاب به جاثلیق می‌فرمایند: «ای مسیحی نسبت به عیسای شما ایرادی نداریم به جز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه» جاثلیق پاسخ می‌دهد، عیسی حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و حتی یک شب نخوابید، همیشه روزها روزه بود و شب‌ها شب زنده‌دار و بعد امام علیه السلام از او می‌پرسند: برای تقرب به چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟ (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱/۱۵۹ و مجلسی، ۳۰۳/۱) در این مناظره فرض

اولیه که مورد قبول جاثلیق بود خدایی حضرت عیسی بود و امام در پایان بحث خلاف فرض او را اثبات نمودند.

نمونه دیگر اینکه زندیقی در خصوص وجود خداوند متعال از حضرت سوال نمود و حضرت با بیان پیچیدگی‌های وجود انسان و ناتوانی انسان از ایجاد این پیچیدگی‌ها حکم به معلول بودن انسان می‌کنند که به علت نیازمند است و آن علت خداوند متعال است. (طبرسی، ۳۹۶/۲)؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱۳۲/۱) در جایی دیگر نیز که فردی از حدوث عالم سوال می‌کند با استدلال بر حدوث خود شخص، و با توجه به اینکه مرکب تابع احکام اجزاء خودش است حدوث عالم را به صورت عقلی اثبات می‌کنند. (مجلسی، ۳۶/۳) بر این اساس در مناظرات رضوی بهره‌گیری از منطق و عقلانیت بسیار پررنگ بوده و مخاطب را در موارد فراوانی به سمت حقیقت سوق داده است و در عصر حاضر، که قشر جوان مورد تهاجم شبهات واقع شده‌اند استفاده از قواعد عقلی و منطقی جهت شبهه‌زدایی ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۳. رعایت اصول و ارزشهای اخلاقی

امروزه برخی از مناظره‌کنندگان به هدف برتری در مناظره با شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» از مدار اخلاق و ارزش‌های اخلاقی خارج می‌شوند و چه بسا گمان می‌کنند چه اشکالی دارد برای بیان حقیقت از اصول اخلاقی خود عقب‌نشینی کرد، این در حالی است که مطالعه در مناظرات رضوی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که آن حضرت عبور از اصول اخلاقی را منافی حقیقت دانسته‌اند و برای نیل طرف مقابل به حقیقت به رعایت اخلاق به عنوان یک قانون طلایی و حفظ ارزشهای اخلاقی و انسانی اهتمام داشته‌اند؛ از این رو در هیچ مناظره‌ای به ناراستی و رذایل اخلاقی متوسل نشده‌اند؛ چنانکه ابراهیم بن عباس در روایتی گفته است: «مانند حضرت رضا (ع) ندیدم و نشنیدم و از آن جناب چیزها مشاهده کردم که در جاهای دیگر مشاهده نکردم، من او را در حالی که

شخصی را با سخنانش اذیت کند ندیدم، هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا آن گاه که سخنش تمام می‌شد و احتیاجات احدی را در صورتی که می‌توانست انجام دهد ردّ نمی‌کرد و در نزد هم‌نشینانش پاهای خود را دراز نمی‌کرد. من او را هرگز در حال دشنام دادن ندیدم.» (طبرسی، ۴۸۳) اینک به برخی اصول اخلاقی که مورد توجه حضرت در مناظرات بوده اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. عدم توهین و سخن سنجیده

مناظره‌کننده باید با طرف مقابل به شیوه نیکو سخن گفته و نیکوترین سخن را بر زبان آورد. ادب به معنای نیکی در رفتار و گفتار و خوش‌گویی (گوهرین، ۱۲۶/۱) اقتضا می‌کند فرد در مناظره بیش از حد متعارف صدایش را بالا نبرد و به سخنان طرف مقابل گوش دهد و برخورد احترام‌آمیز داشته باشد؛ زیرا برخورد غیر مودبانه پاسخ غیر مودبانه را در پی خواهد داشت؛ به عنوان نمونه امام علیه السلام در مناظره با سلیمان مروزی متکلم خراسان از خطاب یا سلیمان به هدف ایجاد صمیمیت بهره می‌برند و با او آغاز به صحبت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۸۷/۱) و در مقابل نیز دیده می‌شود او نیز از عبارت (جعلت فداک) استفاده می‌کند که نشانگر اثر ادب در مناظره است. (ابن بابویه، ۱۳۸۷/۱، ۱۸۴/۱)

پرهیز از توهین، فحاشی و ناسزاگویی به مخالفان حتی در فرضی که طرف مقابل شروع به ناسزاگویی نموده از سفارش‌های اکید امام رضا علیه السلام بوده است و ایشان همواره با توجه به این اصل، برخورد توهین‌آمیز با هر عقیده‌ای را محکوم کردند و از تحریک احساسات مذهبی مخالفان پرهیز داشتند؛ به عنوان نمونه در یکی از مجالس مباحثی درباره صحابه مطرح شد و شخصی به ناسزاگویی پرداخت، اما حضرت ضمن دعوت وی به آرامش در ضمن روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام فرمودند: «خاندان محمد صلی الله علیه و آله همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین وجه سخن گفت» (طبرسی، ۴۸۰) بنابراین، به استناد مناظرات رضوی، کسی حق ندارد از فحش و دشنام به‌عنوان

وسیله‌ای برای هدایتگری، روشنگری و ابراز حق بهره‌بردار و مناظره مطلوب، باید عاری از دشنام و توهین به مقدسات طرف مقابل باشد؛ زیرا ابزار باطل نه تنها موجب هدایت دیگری نمی‌شود و در نقطه مقابل سخن سنجیده و عدم توهین می‌تواند بر تاثیر هرچه بیشتر سخن در طرف مقابل و رسیدن به درک همدلانه با او، موثر باشد؛ چنانکه مناظره امام با مخالفانی همچون سلیمان مروزی، عمران صابی و... در پرتو رعایت این اصل، بسیار اثر بخش بود.

۳-۳-۲. عدم استفاده از دروغ و مغالطه

هرچند در مناظرات امروزی دروغ و مغالطه از جمله مهم‌ترین شگردها جهت موفقیت در مناظره تلقی می‌شود اما از این جهت دلیل قطعی بر عصمت امام رضا (ع) وجود دارد امام رسالت هدایت دیگران را برعهده دارد هیچگاه از آنچه با عصمت تنافی داشته و باطل است برای هدایت دیگران بهره‌نبرده‌اند.

مطالعه مناظرات و سیره آن حضرت نشان می‌دهد مناظراتی که بر پایه دروغ و مغالطه انجام می‌یابد، نه تنها حقیقت را روشن نمی‌کند؛ بلکه جامعه را به تفرقه و عداوت سوق می‌دهد؛ بنابراین مناظره‌کننده باید از دروغ و نیرنگ پرهیز نموده و صداقت در بحث را از اصول خود بداند؛ چرا که بدون رعایت آن مناظره علمی از مسیر حقیقت‌جویی خارج می‌شود.

بنابراین، اصل اولیه در مناظره با مخالفان، عدم بهره‌گیری از دروغ و مغالطه است؛ اما سوالی که پیش می‌آید این است که آیا امام (ع) در مناظرات خود از باب مقابله به مثل از مغالطه و دروغ بهره‌برده‌اند؟ پاسخ اینکه بررسی بی‌طرفانه مناظرات آن حضرت با مخالفان خود، ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که حتی در مواردی که مخالفانشان دچار مغالطه شده‌اند ایشان هیچ‌گاه در لحظه مناظره برای اثبات حق و حقیقت، به مغالطه و سفسطه‌بازی رو نیاورده و در برخورد با مغالطات طرف مقابل به آنها پاسخ صریح و شفاف داده و ادعای آنها را ردّ و مغالطه آنها را آشکار می‌کردند (رضازاده، فارسی‌نژاد، ۴۶)

۳-۳-۳. اجتناب از تحقیر و تمسخر مخالف

امروزه تحقیر و تمسخر طرف مقابل به عنوان یک شگرد برای موفقیت در مناظره مطرح است در حالی که بر اساس جستجوی نگارنده هیچ نمونه‌ای در سیره امام رضا (ع) پیدا نشد که امام در مناظره با فرد مخالف جویای حقیقت پیروان ادیان و مذاهب، طرف مقابل را مورد تمسخر و تحقیر قرار دهند؛ بلکه همیشه در گفتگو و مناظره تأکید زیادی به تکریم طرف مقابل داشته‌اند؛ و الفاظی که موجب تمسخر و تحقیر دیگری باشد را بر زبان نیاورده‌اند بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر دادند.

بر این اساس، عدم بهره‌گیری از ابزار تحقیر و تمسخر، خواننده را به این نکته رهنمون می‌سازد که اصل اولیه در مناظره، عدم استفاده از این ابزار است. اما این سوال باقی است که آیا امام (ع) در مناظرات خود از باب مقابله به مثل هم از این ابزار بهره نبرده‌اند؟ پاسخ اینست که بررسی مناظرات حضرت این نتیجه را بدست می‌دهد که در مقام مقابله نیز تحقیر و تمسخر از سوی امام (ع) صورت نگرفته است؛ به عنوان نمونه وقتی جاثلیق فرصتی برای تحقیر امام پیدا می‌کند حضرت را به داشتن ضعف علمی متهم می‌کند و می‌گوید: «افسدت والله علمک و ضعف امرک و ما کنت ظننت الا انک اعلم اهل الاسلام؛ به خدا قسم علم خود را فاسد و خود را تضعیف کردی گمان می‌کردم تو عالم‌ترین فرد در بین مسلمانان هستی.» و امام در پاسخ می‌فرمایند «و کیف ذاک؛ مگر چطور شده است؟» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱/۱۵۹؛ مجلسی، ۱۰/۳۰۳)

حاصل سخن اینکه رعایت قانون طلایی اخلاق را می‌توان، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مناظرات رضوی با مخالفان دانست که در آنها به اخلاق به عنوان بخشی از حقیقت توجه شده است. بر این اساس در عصر حاضر باید به اخلاق در مناظره ویژه‌ای داشت؛ چرا که توجه به اخلاق می‌تواند به فرهنگ سازی مناظره حقیقت محور، خداپسندانه و اخلاق‌مدار کمک شایانی نماید.

۳-۴. مستند گویی و ارجاع به منابع مورد قبول

یکی دیگر از مولفه‌های مناظره حقیقت محور، استناد و ارجاع به منابع مورد قبول طرف مقابل است به این معنا که چنانچه طرف مقابل مسلمان است به قرآن و روایات مورد قبول او استناد شود. این مولفه در مناظرات رضوی به وفور دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه ریان بن صلت از امام رضا (ع) مناظره‌ای را با مأمون و علمای عراق و خراسان، در فرق بین عترت و ائمت و فضیلت عترت بر ائمت به بیست و سه آیه قرآنی از جمله آیه ولایت^۱ آیه مباحله^۲ استناد می‌نماید. (کلینی، ۱۱۶/۲-۱۳۰)

نمونه دیگر اینکه روزی مأمون از آن حضرت پرسید: چه دلیلی بر خلافت جدتان علی بن ابی طالب (ع) وجود دارد؟ امام رضا (ع) فرمود: آیه «أَنْفُسَنَا». مأمون گفت: بلی اگر کلمه «نِسَاءَنَا» در آیه وجود نداشت کلام شما صحیح بود. امام (ع) فرمود: بلی اگر «أَبْنَاءَنَا» در آیه نبود، حرف شما درست بود» (مفید، ۳۸) علامه طباطبایی در توضیح مطلب می‌نویسد: «امام (ع) در پاسخ مأمون فرمود: «أَنْفُسَنَا» یعنی خدای تعالی در این کلمه نفس علی (ع) را مانند نفس پیامبرش دانسته است و اما اشکالی که مأمون کرد و گفت: بلی! اگر «نِسَاءَنَا» نبود، منظورش این بود که کلمه «نِسَاءَنَا» در آیه دلیل بر این است که منظور از «انفس» مردان است؛ چون در مقابل کلمه «نساء» کلمه «رجال» قرار می‌گیرد؛ لذا کلمه «انفس» باید به معنای رجال باشد. در نتیجه کلمه «أَنْفُسَنَا» دلیل بر فضیلت نمی‌شود؛ اما امام (ع) در پاسخ از اشکال مأمون فرمود: بلی اگر کلمه «أَبْنَاءَنَا» نبود، منظور آن حضرت (ع) این بود که وجود کلمه «أَبْنَاءَنَا» در آیه برخلاف مقصد تو دلالت می‌کند، برای این که اگر مراد از کلمه «انفس» مردان بود، شامل امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و همه پسران هم می‌شد، دیگر حاجتی نبود که کلمه «أَبْنَاءَنَا» را بیاورد». (طباطبایی، ۷۵/۲)

همچنین ایشان در اثبات امامت امام علی (ع) در حدیثی مفصل به احادیث نبوی در

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

۲. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْتَنَا عَلَى الْكَاذِبِينَ».

موضوع امامت همچون حدیث منزلت، حدیث غدیر، حدیث من مات، و حدیث اثنا عشر استدلال می‌نمایند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۵۴/۱)

در مواردی که طرف نیز مسلمان نبود حضرت به منابع مورد قبول او ارجاع می‌دادند به عنوان نمونه امام علیه السلام در پاسخ رأس الجالوت که درخواست اثبات نبوت پیامبر اکرم را داشت به فرازی از تورات استناد نموده و فرمودند: «آیا میدانی که حضرت موسی علیه السلام به بنی اسرائیل وصیت کرد: پیامبری از میان برادرانتان به سوی شما خواهد آمد، او را تصدیق کنید و به سخنانش گوش فرا دهید؟» بعد از تایید این مطلب توسط رأس الجالوت حضرت فرمودند: «آیا بنی اسرائیل برادرانی غیر از بنی اسماعیل دارند؟ و آیا از میان فرزندان اسماعیل علیه السلام پیامبری جز حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شده است؟» (طبرسی، ۲/ ۲۰۹-۲۱۳). در مناظره‌ای دیگر امام رضا علیه السلام در گفتگو با جاثلیق بزرگ مسیحیان، بشارت آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از زبان حضرت عیسی علیه السلام در انجیل را ثابت می‌کند. (طبرسی، ۲/ ۲۰۶)

بر این اساس در عصر کنونی که عده‌ای به دنبال تیره و تار نشان دادن حقایق و تحریف آنها هستند، ارجاع به منابع مورد قبول طرف مقابل تاثیر شگرفی در تبیین حقایق مورد قبول طرف مقابل و اقرار گرفتن از مخالفان و در نتیجه هدایت مخالفان ایفا می‌کند.

۳-۵. توجه به اصول مسلم و مشترک

قرآن کریم همواره به رعایت اصول مشترک (آل عمران، ۶۴)^۱ تاکید نموده و از تفرقه نهی کرده است. (آل عمران، ۱۰۷)^۲؛ به عنوان نمونه درباره گفتگو با صاحبان دیگر ادیان می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ...» با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید؛ مگر کسانی از آنان که ستم کرده‌اند» (عنکبوت، ۴۶)

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»
 ۲. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که یکی از ویژگی‌های جدال احسن که هدف از آن کشف حقیقت است اینست که طرفین مناظره بر نقاط مشترک تأکید ورزند. امام رضا (ع) نیز به پیروی از قرآن کریم به رغم شدت اختلاف‌های فکری و عقیدتی با اصحاب ادیان و فرق مختلف، در مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب مختلف ابتدا بر نقاط مشترک دین اسلام با آنها تأکید می‌ورزید؛ به عنوان نمونه هنگامی که جاثلیق از وی پرسید: در باره نبوت عیسی و کتابش چه عقیده‌ای داری؟ آیا منکر آن دو هستی؟ پاسخ داد: «من به نبوت عیسی و کتاب او و به آنچه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را پذیرفته‌اند ایمان دارم و به هر «عیسایی» ای که به نبوت پیامبر اسلام و کتاب وی ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافر» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱/۱۵۹؛ مجلسی، ۱۰/۳۰۳) افزون بر این، حضرت در فراوانی، در بحث با بزرگان و دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون، به مشترکات دینی، قرانی، و روایی تمسک نموده‌اند و همین مساله باعث کاهش تعصبات دینی و جلوگیری از تحریک احساسات مذهبی شده و نقش به سزایی در روشن شدن حقیقت برای مخالفان داشته است. بر این اساس در عصر کنونی، که دشمنان و مستکبران در صدد ایجاد تفرقه بین ادیان الهی و مذاهب اسلامی هستند، تأکید بر مشترکات ادیان و مذاهب به انسجام و وحدت جامعه اسلامی و پیروان ادیان، کمک شایانی خواهد کرد.

۳-۶. فرصت اظهار نظر به رقیب

امام رضا (ع) به تبعیت از قرآن کریم که اهتمام ویژه‌ای نسبت به آزادی بیان دارد (زمر، ۱۸) همواره در مناظرات خود با مخالفان فکری، این اصل را مورد توجه قرار و همواره فرصت را در اختیار صاحبان اندیشه رقیب می‌گذاشتند؛ طوری که از نظر امام (ع) صاحبان اندیشه رقیب، حق داشتند از روی اختیار عقیده خود را بیان و ابراز نموده و حتی در مورد عقیده خود به بحث و استدلال بپردازند و مناظرات گسترده حضرت با بزرگان و پیروان ادیان و مذاهب در مسائل مختلفی همچون توحید، نبوت، امامت و... نشان از این مساله

دارد. (سبحانی، ۶۳۰) امام علیه السلام در تمامی مناظرات خود با دادن آزادی بیان به طرف مقابل و محترم شمردن عقاید وی، ضمن پذیرش عقاید صحیح طرف مقابل، به بیان دیدگاه‌ها و نظریات خود پرداخته و از زوایای مختلف شبهات و سؤال‌های مطروحه را پاسخ می‌داد؛ به عنوان نمونه حضرت در مناظره با رأس الجالوت او را در شروع سؤال مخیر می‌گذارد و می‌فرماید: «تو می‌پرسی یا من از تو بیرسم؟ گفت: من می‌پرسم و از تو هیچ حقی را قبول نمی‌کنم مگر این از تورات یا زبور داوود علیه السلام یا از صحف ابراهیم و موسی و یسوی، حضرت می‌فرمایند: از من هیچ قبول مکن مگر آن چه را که تورات به زبان موسی بن عمران و انجیل به زبان عیسی بن مریم و زبور به زبان داوود ناطق باشد» (مجلسی، ۱۷۶/۴۹) با مطالعه بیشتر می‌توان، تحمل اختلاف‌نظرها، محترم شمردن عقیده طرف مقابل، رعایت عدالت و انصاف را از مهم‌ترین مصادیق آزاداندیشی در مناظرات رضوی بر شمرد و روشن است که رعایت این اصل در جامعه کنونی، تأثیر شگرفی در روشن شدن حقیقت و ارشاد مخالفان دارد.

۳-۷. منع از تکفیر مخالف

تکفیر مخالف^۱ از گذشته در بین افراد تندرو هر مذهب، وجود داشته است. این در حالی است که از نظر امام علیه السلام تکفیر میانه‌ای با حقیقت ندارد و مناظره حقیقت‌محور، باید عاری از تکفیر باشد. براساس آموزه‌های رضوی، تکفیر نه تنها در حالت عادی، ناپسند و مذموم است؛ بلکه در این امر، مقابله به مثل هم جایز نیست؛ زیرا همه مسلمانان موظف به تبعیت از پیامبر اکرم می‌باشند و براساس سخن نبوی با شهادت به توحید خون و اموال شخص محترم خواهد شد. (ابن بابویه، بی تا، ۶۴/۲)

افزون بر اینکه مطالعه مناظرات رضوی این نکته بدست می‌آید که ایشان مخالفان و

۱. تکفیر در لغت به معنای پوشاندن و مخفی نگه داشتن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۱؛ راغب، ۱۴۲۷، ص ۴۳۳-۴۳۴) و در اصطلاح نسبت دادن کفر به دیگری است.

منکران امامتشان را کافر نمی‌دانستند و هیچگاه از ابزار تکفیر برای بیرون‌کردن مخالف از میدان بحث بهره نبرده‌اند؛ حتی شرایطی که این حربه از سوی مخالفانی همچون مامون عباسی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

جالب‌تر اینکه حضرت برای هدایت جریان‌های منحرف تلاش زیادی نموده و برای هدایت آنها از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیده؛ برای نمونه در مواجهه با فرقه انحرافی واقفیه به نامه‌نگاری با رهبران آنها و اتمام حجت بر آنها، و پاسخگویی به شبهات آنها، تصحیح احادیث جعلی و معرفی ماهیت واقفیان پرداختند. و این تلاش‌ها سرانجام به هدایت برخی افراد همچون حسین بن بشار منجر شد. (طوسی، ۱۴۰۴، ۷۴۷/۲) (صفری فروشانی و بختیاری، ۸۰) لازم به ذکر است در برخی موارد امام پس از اتمام حجت به تحریم اقتصادی و لعن و نفرین واقفیان پرداخته‌اند که این مساله در مناظرات و مکاتبات حضرت با مخالفان صورت نگرفته و به نظر می‌رسد به جهت جلوگیری از گمراهی دیگران بوده است و شدت عمل امام متناسب با شدت عمل واقفیان بوده است؛ زیرا آنها اصل تشیع امامی و آموزه مهدویت را هدف قرار داده بودند. (صفری فروشانی، بختیاری، ۹۰) ناگفته نماند با توجه به اینکه امروزه مسئله تکفیر مخالف به یکی از آسیب‌های چشمگیر در مناظرات تبدیل شده است و موجب سرد شدن فضای گفتگو و مناظره شده است به کار بستن این مولفه در مناظرات امروزی می‌تواند موجب رونق کرسی‌های بحث و آزاداندیشی بین پیروان ادیان و مذاهب گردد.

نتایج مقاله

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که هر چند آموزه مناظره امروزه دچار آسیب‌هایی شده است اما راه برون رفت از آسیب‌های امروزی مناظرات، ترویج الگوی مناظره با رویکرد حقیقت محوری است نه رویکرد برتری جویانه و بدیهی است چنانچه مناظره با رویکرد حقیقت محوری و برآمده از سیره حضرت رضا (ع) صورت‌گیری می‌تواند

نقش بسزایی در عصر حاضر داشته باشند. با مؤلفه‌های هفت‌گانه زیر:

۱. تسلط به مفاهیم و مبانی مخالفان: با نگاهی به مناظرات آن حضرت، نقش موثر علم و تخصص در مناظره به خوبی مشاهده می‌شود چرا که یک عالم متخصص می‌تواند تهدیدات طرف مقابل را به فرصت تبدیل نماید.
۲. استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک همه افراد؛ امام رضا علیه السلام همواره از براهین عقلی در مناظرات خود بهره برده‌اند.
۳. رعایت اصول و ارزشهای اخلاقی: وجود چنین مولفه‌ای در مناظره ایشان با سلیمان مروزی، عمران صابی، راس الجالوت به خوبی قابل مشاهده است.
۴. مستند گویی و ارجاع به منابع مورد قبول: مطالعه در مناظرات رضوی نشان می‌دهد امام برای تبیین حقایق، گاهی به منابع مورد قبول طرفین استناد نموده‌اند.
۵. توجه به اصول مسلم و مشترک: امام رضا علیه السلام همواره به اصول مشترک در مناظرات خود توجه و اهتمام داشتند.
۶. فرصت اظهار نظر به رقیب: همه افراد در حضور امام حق داشتند که نظرات خود را در تمامی حوزه‌ها بیان نمایند و امام فرصت بیان عقاید را از مخالفان خود سلب نکرده‌اند.
۷. منع از تکفیر مخالف: امام هیچگاه از ابزار تکفیر برای خارج کردن مخالفان از میدان بحث، بهره نبرده‌اند و تنها در مواردی به خاطر بیان خطر اندیشه واقعی از لعن و نفرین بهره برده‌اند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۴. همو، التوحید، قم، جامعه مدرسن، بی‌تا.
۵. همو، عیون أخبار الرضا، اول، بیروت، الأعلمی، ۱۴۰۴.
۶. ابن سینا، حسین، الشفاء، قم، منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۴۰۴ق.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی ۱۳۹۴ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۹. اسماعیل‌زاده، یاسر، شبان‌زاده، فهمیه، نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع). فرهنگ رضوی، ۴ (ش ۱۵) ۱۳۹۵ش.
۱۰. اکبری، مرتضی، احمدی نژاد، فریرز و دیگران، واکاوی آداب مناظره با تکیه بر فرهنگ رضوی و بکارگیری آن در کرسی‌های آزاد اندیشی در دنیای امروز. فرهنگ رضوی، ۹ (ش ۳۴)، ۱۴۰۰ش.
۱۱. تهانوی، محمد بن علی، کشاف الاصطلاحات و الفنون. بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷.
۱۲. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، "فضیلت عقل از منظر امام رضا (ع)" مجله الکترونیکی اسراء، ش ۶، بی‌تا.
۱۴. جویی، عبدالملک بن عبدالله، الکافی فی الجدل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، جوهرالتضید، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ق.
۱۶. خزعلی، انیس، انصاری نیا، رزی، تحلیل گفت‌وگو ادیان در مناظره امام رضا با علمای مسیح و یهود. فرهنگ رضوی، ۵ (ش ۱۹)، ۱۳۹۶ش.
۱۷. دیلمی، محمد، ارشاد القلوب، قم، نشر آل علی (ع)، ۱۳۹۷ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، قم، سلیمان‌زاده، ۱۴۲۷ق.
۱۹. رضازاده کهنگی، فریبا، فارسی نژاد، علیرضا، اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی. فرهنگ رضوی، ۳ (ش ۹)، ۱۳۹۴ش.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار الصادر، ۱۹۷۹م.
۲۱. سبحانی، جعفر، مناظره‌های معصومان، قم، نشر توحید، ۱۳۹۲ش.
۲۲. شبّر، سید عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت، مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
۲۳. شوپنهاور، آرتور. هنر همیشه بر حق بودن، ترجمه: عرفان تابتی، قم، ققنوس، ۱۳۹۹ش.
۲۴. صفری فروشانی، نعمت الله و بختیاری، زهرا، امام‌رضا (ع) و فرقه واقفیه. پژوهش‌های تاریخی، ۴ (۱۴)، ۱۳۹۱ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۳۵۳ش.
۲۶. طبرسی، أبو‌منصور أحمد بن علی، الإحتجاج، نجف أشرف، مطابع النعمان، ۱۳۸۶.
۲۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تصحیح: حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طوسی، نصیر الدین، اساس الاقتباس، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
۲۹. طوسی، أبو‌جعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴.
۳۰. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۳۱. طهماسبی بلداجی، اصغر، مرتضوی، سید ابراهیم، واکاوی رهاوردهای غائی مناظرات رضوی و کاربرست آنها در عصر حاضر. فرهنگ رضوی، ۸ (ش ۲۹)، ۱۳۹۷ش.
۳۲. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الافاق الجديدة، بی تا.
۳۴. غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ق.
۳۸. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۶.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب رازی، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مصلابی پور، عباس و سلیمی، مریم، اصول مناظره و آزاد اندیشه با تکیه بر مناظره های امام رضا (ع). فرهنگ رضوی، ۱ (ش ۳)، ۱۳۹۲ش.
۴۲. مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۴.
۴۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۴۴. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختاره، مصحح: علی میر شریفی، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید ۱۴۱۳ق.